

ABRAHAM - Ishmael - Isaac

ابراهیم (بدر قومه) اسمائیل و اسحاق

سرگذشت ابراهیم از (قرآن) شروع می شود، این عمل در صوبه بکره کنونی و

شمال سوریه می باشد، بعد از گذشت صد هزار سال هنوز نام این منطقه (قرآن) می باشد !! آ

تا جایی که کتاب مقدس به نام ابراهیم بر روی اهل اقوام سری باشد

نه تنها یهودیان و مسلمانان بلکه بسیاری دیگر از نژادها از طریق ابراهیم آشنا شده زیرا که او پسر اسمائیل و اسحاق از نژاد اسمائیل کنیزش بود (مطلوبه) فرزندان دیگری نیز داشته.

تنها فرزندان او از نژاد اهل عرب (اسحاق) می باشد و او طبق وعده خداوند به دنیا آمده حتی این موضوع که اسحاق پسر نبی است در قرآن نیز ذکر شده

اما از آنجایی که اعراب (مطلقاً عربها) از نژاد اسمائیل هستند مسلمانان بر این عقیده اند که اسمائیل جد اصلی آنهاست، در تبع از این عقیده عربها

مثلاً ترکها، ایرانیها، موسلمان کشورهای مسلمان غیر عرب مانند و نژاد و مالزی هیچ ارتباطی که از نژاد اسمائیل باشند وجود ندارد بلکه بعد از

پیدا شدن اسلام این اقوام غیر عرب یا به اسلام گرویده اند یا اینکه به زود با اسلام گرواننده شده اند مثل (ایرانها). پس نژاد اسمائیل فقط عربها هستند که در حدیم (عتیق از اسلام) به آنها اسمائیلیان می گفتند

البته در زمان ابراهیم نژادهای دیگری نیز می زیسته اند که مثلاً بسیاری از اقوام دینی می باشند.

حال اینکه خداوند وعده است را با تولد اسحاق می بدهد و عیسی مسیح از

مثل اومی باشد چون او خزند و عده بود یعنی حتی خود ابراهیم نمی توانست باور کند که در پیش سن پیری فرزندی و یا حصرش ساره که در سن بالای ۱۰ بود صاحب فرزندی شود

در پیه این ۱۷-۱۸: ۱۷ این نایابوری ابراهیم به نگارش در آمده که می تواند

آیا برای مرد صد ساله پیری متولد شود و ساره در نزد سالیگی برآید و در دل خود خنذید (باور نکرد) و پس به خدا عرض کرد همان اسمائیل را منظور بدار

ولی خداوند فرمود: مصلحتی باشد خود ساره پیری برای تو خواهد زانند و تو نام او را اسحاق یعنی (خنذ) خواهی گذاشت و من عهد خود را با تو تا ابد برقرار خواهم کرد

حتی وقتی فرشته ها برای ابراهیم از این وعده سخن می گفتند ساره هم باور نمی کرد

پیه این ۱۵-۱۲: ۱۸

۱۲ سی ساره در دل خود خنذید و گفت آیا زنی به سن و سال من با چنین سوره پیری می تواند بچیدار شود

در این زمان اسمائیل فرزندی حاکم مصری که کنیه (براه) ابراهیم بود ۱۳ ساله بود

دقیقاً یک سال بعد از وعده خداوند که توسط فرشته ها به ابراهیم داده شده بود اسحاق متولد شد و این نایابوری ساره او را با ایمان آرزو زن زمان خود ساخت زیرا او صدمه دیده بود که خداوند قدرت و قدرت و عظمت او را چه در است

او عاشق خنذ شد و اسحاق) بود و ابراهیم نیز همچین تاملی از تولد اسحاق به وید آمده بود که عذر از خداوند نیز دیدی در حیاتش معنی دید

با این که ایمان او به خداوند بسیار قوی نسبه بود باز هم بدست آزمائش می ماند
سپرده می شد

در سوره اِسْحَاق 8-21: اِسْحَاق بشهر درآمده

اسحاق به معنی (قنده) است زیرا او با تندرستی برای ساره و ابراهیم خنده و شادی
آورده بود

حافظه که اشاره کردیم این شادی ساره و ابراهیم باید به معنی آزمائش سپرده می شد

در سوره اِسْحَاق 22 - امتحان ابراهیم را می خوانیم که خداوند میگوید ایمان او را به
امتحان می کشد
و اسحاق را به عنوان پسر بی از او می خوانند.

حال چرا اسحاق نه اسمائیل؟ اسمائیل از حاکم مصری تولد شد و حاکم دکنش

(برده) ساره بود و فرزند او اسمائیل به صورت عادی تولد یافت و بعد از تندرستی
برای ساره نگرانی و اندیشه به وجود آمد نه خنده و شادی چون حاکم پسر ساره او را
تحقیق می کرد، ابراهیم خود را فانی نبود این ساره بود که فخر می کرد پس ساره و دیگر
خزندی به دنیا نخواهد آورد به این سبب از ابراهیم خوانست که از حاکم
خزندی بر آنها به دنیا آورد.

نه اسمائیل برای ابراهیم اهمیت نداشت، بلکه او فرزند اصلی آنها نبود
چون از زن رسته ساره نبود او از کنیزشان حاکم تولد کرده بود.

اما اسحاق خزند رسته داده خداوند و سبب اصلی آنها به حساب می آمد و او

بود که ارزش بسیار و ادای برای آن دو (ساره و ابراهیم) داشت

زیرا مایه داشتیم که هر چیز که با معنی و بیانا باوری بدست بیاید قابل اهمیت

و بسیار ارزش است و ارزش او به مراتب خیلی بالاتر از چیزی است

که به راحتی به دست آمده باشد. اسحاق نیز چنین بود و او بود که باید ایمان
ابراهم را به امتنان می‌نمودند زیرا با معجزه بی‌دینا آمده بود و به همین
سبب از زس او بالاتر از هر صدمی برای ابراهیم و ساره بود و از دست دادن او
(اسحاق) باعث ویرانی ساره و ابراهیم می‌شد.

حال که قرآن اسمائیل را قربانی ایمان ابراهیم تلقی کرده است، رای ندان صد هاشم
به سوال کسیه و در این باره به بعضی کلمات در این باره است.

عبد محمد می‌خواست بر تبریدن احترام عرب را نشان بدهد یا اینکه بر تبر بودن
دین و ایمان اعراب (اسلام) را بفرماند (به عرب ها)

یا وعده خداوند به ابراهیم را به اسمائیل تلقی دهد. زیرا او (محمد) از نسل اسمائیل
بود و اعراب نیز.

ما می‌دانیم که قوم اسرائیل (یهود) از طریق اسمائیل انتقاد یافت و از
ابتدا تا کنون نیز این قوم مورد چشم و حمله بسیاری از قوم های همان هستند

و تا همین ۷۰ سال پیش در جنگ دوم میان صلیبی ها بودی در آلمان و
اروپا کشته شدند و از زمان فرانک مصر تا ظهور دوباره مسیح صبح

این چشم و نفرت وجود خواهد داشت چون بسیاری از مردم میان به خداوند
و مسیح ایمان ندارند

در عبرت بیان 4-3:4 می‌فرمایند که خداوند خود گفته است:

در چشم و غضب خود فرود آم که آنانی که به من ایمان نیاورند هرگز
روی آرامش را نخواهند دید.

اسحاق قربانی نشد اسمائیل هم قربانی نشد بلکه خداوند تنها ابراهیم را
با اسحاق برای تأسیس ایمانش به امتنان در آورد در این باره قربانی

یک سبب است (زیرا قوی به پای او قربانی شد)

تفاتی که قرآنی و اعمی وجود دارد و او فردی است که
که با قون خود این قرآنی شدن به صورتی و اعمی را تأیید کرد.

اما ما هم و کوشان را باز کنیم می بینیم که لفظی های خداوند تا کنون ادامه
دارد و تا ظهور عیسی مسیح نیز ادامه خواهد داشت و پس از آن نیز

در سوره ایس 12: 16 می خوانیم که فرشته ها به هابیر مصری (مادر اسحاق) می گویند:
سر تو و منی خواهد بود و با برادران خود سر سارنگاری خواهد داشت او بر ضد همه و همه بر ضد او خواهد بود

اگر توبه کنیم می بینیم که این لفظی هم اکنون نیز در دنیا می شنود (اسحاق)
بلافاصله می شود، آخفا با هم تا سازگار هستند حتی بین فرزندان
نیز نزاع و کینه و کینه و کینه وجود دارد و این لفظی خداوند را تأیید می کند
که آخفا بر علیه دیگران هستند و دیگران هم نیز بر علیه آنها

مثلاً در خارج میانه آسوی و سرنگونی بر همراه وجود دارد یعنی سر =
برفته است حتی بین آخفا که از مثل اسحاق سینه مثل ایران
آخفاستان یا کاز تا حد و عجز که مسلمان شده اند نیز این آسوی و
سرنگونی سر برفته است و اینها هم لفظی های خداوند را نشان می دهند

حقیقتاً باید کلام خداوند را دانست و به او ایمان داشته باشیم او همه
لفظی های را به ما نشان خواهد داد کافی است که نگاه مقدس

را بخوبی مطالعه کنیم و در مورد اتفاقاتی که در میان ما افتد به تفکر و تامل و توبه

خداوند فرزندانی را که به ابراهیم وعده داده بود در (اسحاق) برای

قریبانی خواست ولی او را قریبانی نکرد بلکه این قریبانی را بعد ما با فرزند خودش

عیسی مسیح معرفی کرد و به امام رساند به تنهایی برای منسل ~~بسیار~~ (اسحاق)

در اسرائیل، پیوسته بلکه برای تمام مردم جهان مکانی که به او ایمان بیاورند

اعتقاد به قریبانی گزینشی ندارند ولی منسل اسمائیل هر ساله باید این

رسم قریبانی گزینشی را به ابرار بیاورند که در عهد قدیم مکاتب مقدس خوانده ایم

که ~~باید~~ ^{مقتی} در این باید مرتباً قریبانی گزینشی به خداوند جدید می دادند و مقتی در صلی

سوار خداوند از آنها می خواست که این قریبانی صارا تقدیم او بکنند آن هم

بسیار اوقات = برای بخشش به کار می رفتند ولی عیسی مسیح به تمام این قریبانی ها

بایدان داده است او خود قریبانی واقعی است اوصی به جای ~~است~~ ^{ما}

قریبانی شد.

باید امید که این مطالعه و بررسی در مورد ابراهیم و اسمائیل و اسحاق

مکملی به لایحه عهدین (قریبانی واهی برای خداوند نیست) «ایمانان محبتان

و امیدمان» به خداوند را عهدیه بابیم و این عهد را نسبت به ملکه ~~بزرگ~~ ^{بزرگ} اتریش

دعای تا که ناسازگاری و کینه میان ایمان نه اران نباشد.

برادران محبت